

حدیث تشبیه و دلالت‌های کلامی آن

احمد شجاعی^۱

چکیده

بر اساس آنچه در کتاب‌های حدیثی، تاریخی، کلامی و تفسیری نقل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موارد گوناگون و در زمان‌های متعدد، در حضور اصحاب خود، از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفته‌اند که یکی از آنها حدیث تشبیه است. طبق این حدیث، شماری از صفات کمال که در پیامبران الهی به صورت پراکنده آمده، در مورد حضرت علی علیه السلام به صورت یکجا ذکر شده است. از جمله این صفات، علم و وقار آدم، حکمت و تقوای نوح، صبر و بردباری ایوب، حکمت شیث، حلم ابراهیم، هیبت موسی، زهد و عبادت عیسی علیه السلام و کمال و جمال محمد صلی الله علیه و آله است. این حدیث با تعابیر گوناگون توسط اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع متعدد شیعه، بخصوص اهل سنت به طرق مختلف نقل شده و به لحاظ سندی تردیدی در صدور آن وجود ندارد. با توجه به محتوای حدیث و بکارگیری روش نقلی و تحلیل‌های عقلی پیرامون آن، ویژگی‌هایی از قبیل: برابری با مجموع انبیاء، برتری بر هر یک از انبیاء، برتری بر سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، عصمت، و بخصوص امامت و خلافت بلافصل برای حضرت علی علیه السلام به طور واضح قابل اثبات است.

واژه‌های کلیدی: حدیث تشبیه، ذات الاشباه، فضائل امیرالمؤمنین، افضلیت امام علی علیه السلام، امامت امام علی علیه السلام.

۱. دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی علم کلام، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، رایانامه: ashojaeiasl@gmail.com

یکی از احادیثی که در منابع روایی فریقین، از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده، حدیث تشبیه است. این حدیث در فضیلت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام صادر شده و در آن پاره‌ای از ویژگی‌های انبیای پیشین، برای امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، ذکر شده و مورد تعجب برخی از اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار گرفته است. در مقاله‌ی حاضر، چیستی متن حدیث و نقل‌های مختلف آن، و همچنین مستندات آن در منابع شیعه و اهل سنت ذکر شده، و سپس با استخراج دلالت‌های کلامی حدیث، به پاره‌ای از شباهت پیرامون سند و محتوای حدیث پاسخ داده شده است.

۱. متن حدیث

طبق برخی نقل‌ها پیامبر گرامی اسلام در جمعی از صحابه چنین فرمودند:

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛ هر کس می‌خواهد علم آدم، فهم نوح، زهد یحیی بن زکریا و استواری موسی را ببیند، علی بن ابی طالب را نظاره کند (طبری، ۱۴۱۵: ۲۸۷-۲۸۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۱۷۰؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱: ۱۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۵۲؛ شوشتری، ۱۳۶۷: ۲۷۶؛ ابن بدرالدین، ۱۴۲۲: ۴۴۱؛ بحرانی، ۱۴۲۲، ۵: ۱۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۳، ۲: ۳۷۵).

در نقلی دیگر از ابوذر غفاری آمده که: ما در محضر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جهت شکرگزاری به درگاه الهی برخاسته و به رکوع و سجود پرداخت، و سپس فرمودند: ای جناب (لقب ابوذر غفاری) هر کس اراده کند علم آدم، فهم نوح، دوستی خدا با ابراهیم، مناجات موسی، زهد و عبادت عیسی، و صبر و ابتلای ایوب را بنگرد، نگاه کند به آن مردی که می‌آید؛ او همچون خورشید و ماه سیر کننده، و ستاره درخشان است؛ شجاع‌ترین انسانها و بخشنده‌ترین آنهاست؛ لعنت خدا و ملائکه و همه‌ی مردم بر دشمنانش باد! ابوذر می‌گوید: مردم منتظر بودند که ببینند این فرد که وارد خواهد شد کیست؟ که در این هنگام علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام وارد شد (ابن شاذان، ۱۴۲۳: ۳۵. جهت اطلاع از روایات مشابه و صفات بیشتر، ر.ک: علامه حلی، ۱۳۷۹: ۱۰۱؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲، ۱: ۸؛ بحرانی، ۱۴۱۷: ۱۶۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳:

۲۶۴؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱: ۱۱۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۳۵۴؛ همو، ۱۴۲۲: ۳۸۶؛ خضر رازی، ۱۴۲۴: ۶۱۳؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳، ۱: ۲۵۲-۲۵۳؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۵۴۶.

در پاره‌ای از روایات علاوه بر انبیاء، تشبیه به صفات برخی از فرشتگان مقرب الهی نیز مطرح شده است:

«من أراد أن ينظر إلى إسرائفیل فی رفعتہ و إلى میکائیل فی درجتہ و إلى جبرائیل فی عظمتہ و ...، فلینظر إلى علی بن أبی طالب عليه السلام» (رجب برسی، ۱۴۲۲: ۱۶۹؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳، ۱: ۲۵۲؛ مرعشی، ۱۴۰۹، ۴: ۳۶۹).

در ذیل برخی از روایات تشبیه چنین آمده: خداوند در او (امام علی عليه السلام) نود خصلت از خصلت‌های انبیاء را جمع کرده که در هیچ کس جمع نکرده است: «فان فیہ تسعین خصله من خصائل الأنبياء جمع الله فیہ و لم یجمع أحدا غیره» (مرعشی، ۱۴۰۹، ۴: ۳۹۷؛ موسوی لکنوی، ۱۳۶۶، ۱۶: ۳۷۶؛ میلانی، ۱۴۰۹، ۱۹: ۳۱۹). سید علی همدانی در کتاب جواهر الاخبار همه این نود خصلت را جمع کرده است (قندوزی، ۱۴۲۲، ۲: ۳۰۶).

عاصمی با استناد به آیات و روایات، ویژگی‌های امام علی عليه السلام را با بیش از صد خصلت در یازده پیامبر (در آدم ده خصلت، در نوح، ابراهیم، یوسف، موسی، داود، سلیمان، ایوب، یحیی و عیسی هر کدام هشت خصلت، و در حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم) در بیست و سه خصلت) مشابه دانسته و به طور مبسوط مورد بحث قرار داده است (۱۴۱۸، کل مجلدات ۱ و ۲). علامه امینی پس از نقل شباهت‌هایی که عاصمی در «زین الفتی» آورده، اضافه می‌کند: این کتاب از گران‌بهارترین کتب عامه است که در آن نشانه‌های دانش و فرزانتگی به چشم می‌خورد و اهل سنت با داشتن این گونه کتب ارزشمند، سرگرم کتاب‌های بی‌مایه و آلوده شده‌اند (۱۴۱۶، ۳: ۴۸۹).

این حدیث با همان عبارت و یا عبارتی شبیه آنچه در منابع حدیثی، کلامی، تفسیری و تاریخی شیعه آمده، در منابع متعدد اهل سنت نیز مطرح شده است (ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۴۲: ۳۱۳؛ ابن کثیر، بی‌تا، ۷: ۳۵۷؛ ابن مغزلی، ۱۴۲۴: ۲۰۰، ح ۲۵۶؛ ابن طلحه شافعی، ۱۴۱۹: ۲۲؛ ینابیع المودّة، ۱: ۳۶۳؛ ح ۱؛ طبری، بی‌تا، ۳: ۱۹۶؛ ابن حجر، ۱۴۰۶، ۶: ۲۴؛ ذهبی، ۱۳۸۲، ۴: ۳۲۰؛ سیوطی، ۱۴۱۷، ۱: ۳۲۵؛ البحریری، ۲۰۰۴، ۱: ۴۹). تفاوت عبارات در احادیث تشبیه، به خاطر اختلاف مخاطبان و تعدد اوقات بوده و منافاتی با همدیگر ندارند (خضر رازی، ۱۴۲۴: ۶۱۴؛ مظفر، ۱۴۲۲، ۶: ۳۲۹).

۲. راویان حدیث

برخی از راویان حدیث از میان صحابه عبارتند از: امام حسین علیه السلام، ابن عباس، ابوذر، ابوالحمراء خادم پیامبر صلی الله علیه و آله، ابوسعید خدری، ابوهیره، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، حارث همدانی (پرچمدار امیرالمؤمنین علیه السلام). همچنین برخی از مشهورترین راویان این حدیث از تابعان - که شمارشان به بیش از چهل تن می‌رسد - و حافظان و پیشوایان مورد اعتماد اهل تسنن، عبارتند از: ابوبکر، عبدالرزاق بن همام بن نافع حمیری صنعانی، استاد بخاری (م ۲۱۱)؛ احمد بن حنبل، از پیشوایان چهارگانه فقه اهل تسنن (م ۲۴۱)؛ ابوحاتم، محمد بن ادريس حنظلی رازی (م ۲۷۷)؛ ابوحفص، عمر بن احمد بن عثمان، معروف به ابن شاهین، محدث و مفسر (م ۳۸۵)؛ ابوعبدالله، عیبدالله بن محمد بن احمد عکبری، معروف به ابن بطله (م ۳۸۷)؛ ابوعبدالله، محمد بن عبدالله بن حمدویه ضبی طهمانی، معروف به حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)؛ ابوبکر، احمد بن موسی بن مژدویه اصفهانی (م ۴۱۰)؛ ابونعیم، احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی اصفهانی (م ۴۳۰)؛ ابوبکر، احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی خسروجردی (م ۴۵۸)؛ ابوالحسن، علی بن محمد بن طیب جلابی، معروف به ابن مغازلی (م ۴۸۳)؛ ابوشجاع، شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی همدانی (م ۵۰۹)؛ ابوالمجد، مجدود بن آدم، معروف به حکیم سنایی (م ۵۲۵)؛ ابوالمؤید، موفق بن احمد بن ابی سعید مکی، معروف به اخطب خطباء خوارزم (م ۵۶۹)؛ ابوالخیر، رضی الدین احمد بن اسماعیل طالقانی قزوینی حاکمی (م ۵۹۰)؛ کمال الدین ابوسالم، محمد بن طلحه قرشی، نویسنده «مطالب السؤل» (م ۶۵۲)؛ ابوعبدالله، محمد بن یوسف گنجی شافعی، صاحب «کفایه الطالب» (م ۶۵۸)؛ سید علی بن شهاب الدین همدانی، نویسنده «الموده فی القربی» (م ۷۷۶)؛ نورالدین، جعفر بن سالار، معروف به امیر ملاً، خلیفه همدانی؛ شهاب الدین احمد، صاحب «توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل»؛ شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر زاوی دولت آبادی، معروف به ملک العلماء هندی (م ۸۳۹)؛ نورالدین، علی بن محمد بن صباغ مالکی، صاحب «الفصول المهمه» (م ۸۵۵)؛ کمال الدین، حسین بن معین الدین یزدی میبیدی، صاحب «شرح دیوان» (م ۸۷۰)؛ عبدالرحمن بن عبدالسلام بن عبدالرحمن صفوری شافعی؛ ابراهیم بن عبدالله وضایی یمنی شافعی، صاحب «الاکتفاء فی مناقب الخلفاء»؛ جمال الدین، عطاءالله بن فضل الله بن عبدالرحمن شیرازی (م ۱۰۰۰)؛ احمد بن فضل بن محمد باکثیر مکی شافعی (م ۱۰۴۷)؛ میرزا محمد بن معتمد خان بن رستم حارثی بدخشی؛ محمد صدر العالم، مؤلف «معارج العلی فی

مناقب المرتضی»؛ ولی الله بن عبدالرحیم دهلوی (پدر دهلوی نویسنده تحفه اثناعشریه) (م ۱۱۷۶)؛ محمد بن اسماعیل بن صلاح امیر یمانی صنعانی (م ۱۱۸۲)؛ احمد بن عبدالقادر شافعی عجیلی؛ مولوی ولی الله بن حبیب الله لکهنوی (ر.ک: مرعشی، ۱۴۰۹، ۴: ۳۸۸-۴۰۵؛ موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۱۶: ۱۱ و ۱۲). همه‌ی اشخاص یاد شده از راویان پرآوازه اهل سنت و کتب صحاح بوده و توسط دانشمندان عامه، مورد تمجید و تعریف واقع شده‌اند.

علاوه بر راویان، برخی از شاعران، حدیث تشبیه را در اشعار خود مورد توجه قرار داده‌اند. از جمله‌ی آنها محمدبن احمدبن عبیدالله (م ۳۲۷) مشهور به مفتح بصری است (ر.ک: حموی، بی‌تا، ۱۷: ۱۹۱ و ۲۰۰-۲۰۲). سنائی غزنوی (م ۵۲۵) شاعر و عارف فارسی‌زبان نیز مفاد حدیث تشبیه را در باب سوم از کتاب حدیقه الحقیقه ضمن ابیاتی در ستایش حضرت علی علیه السلام به نظم درآورده است. عطار نیشابوری (م ۶۱۸) نیز در کتاب مصیبت‌نامه (عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۳۲) مضمون حدیث تشبیه را به نظم کشیده است.

۳. سند حدیث

حدیث تشبیه به طرق گوناگون از صحابه‌ی پیامبر نقل شده است. در اینجا تنها به بررسی سندی یکی از این طریق‌ها می‌پردازیم و آن طریق ابوبکر، عبدالرزاق بن همام است. حدیث تشبیه به روایت ابوهریره، توسط یاقوت حموی (م ۵۴۳)، ابن ابی الحدید معتزلی (م ۶۵۶) و قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴) نقل شده است. حموی این حدیث را از طریق عبدالرزاق صنعانی، از معمر، از زُهری، از سعید بن مسیب، از ابوهریره نقل کرده که پیامبر در جمعی از اصحاب خود فرمود:

«إِنَّ تَنْظُرُوا إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ نوحٍ فِي هَمِّهِ وَ إِبْرَاهِيمَ فِي خُلُقِهِ وَ مُوسَى فِي مُنَاجَاتِهِ وَ عِيسَى فِي سُنَّتِهِ وَ مُحَمَّدٍ فِي هُدْيِهِ وَ جِلْمِهِ، فَانظُرُوا إِلَى هَذَا الْمُقْبِلِ»
 فَتَطَاوَلَ النَّاسُ فَإِذَا هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛ اگر می‌خواهید دانش آدم، همت نوح، خوی ابراهیم، نیایش موسی، روش و آیین عیسی و سیرت و بردباری محمد را ببینید، به کسی بنگرید که سویتان می‌آید، پس مردمان همه، [برای دیدن آن مرد] گردن فراز کردند، آن مرد علی بن ابی طالب بود (حموی، بی‌تا، ۱۷: ۲۰۰). اینک به شرح حال تک تک راویان حدیث فوق پرداخته می‌شود؛

۱. یاقوت حموی: وی از نویسندگان بزرگ اهل تسنن و از ادیبان و محققان

مشهور است، و به تعصب شدید بر ضد امیرالمؤمنین علی علیه السلام شهرت داشت (قفطی، ۱۹۸۲، ۴: ۸۲؛ ذهبی، ۲۰۰۳، ۱۳: ۸۲۳؛ ابن حجر، ۱۴۰۶، ۸: ۴۱۳). با توجه به این مطلب، قاعدتاً در صحت و اعتبار حدیثی که حموی نقل کرده، شک و تردید نخواهد بود. وی در منابع رجالی و تاریخ اهل سنت، با اوصافی شایسته توصیف شده است (ر.ک: اربلی، بی تا، ۶: ۱۲۹؛ المنذری، ۱۴۰۱، ۳: ۲۴۹؛ ابو زید، ۱۴۰۷: ۱۲۵؛ زرکلی، ۲۰۰۲، ۸: ۱۳۱؛ بغدادی، ۱۴۱۷، ۲۱: ۱۹۲، ذهبی، ۲۰۰۳، ۱۳: ۸۲۳؛ ابن حجر، ۱۴۰۶، ۸: ۴۱۳).

۲. عبدالرزاق صنعانی؛ دانشمندان بزرگی از اهل سنت وی را مورد تمجید قرار داده و جایگاه علمی و وثاقت او را ستوده و گفته‌اند: مردم آن گونه که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای اخذ علم- به سوی عبدالرزاق کوچیدند، به سوی هیچ کس کوچ نکردند. برخی از پیشوایان اسلام مانند: امام سفیان بن عیینه، امام احمد، یحیی بن معین، اسحاق بن راهویه، علی مدینی و محمود بن غیلان و ... از وی نقل روایت کرده‌اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۳۶: ۱۶۱؛ قنوجی، ۱۴۲۸: ۶۴).

در منابع رجالی از ایشان به عنوان کسی یاد شده که احادیثش در صحاح و غیر آن، مورد احتجاج واقع شده (ذهبی، ۲۰۰۳، ۵: ۳۷۴؛ ذهبی، ۱۴۰۶: ۱۲۱)، یکی از حافظان ثقات (ذهبی، ۱۴۰۵، ۹: ۵۸۰؛ حلبی، ۱۹۸۸: ۲۱۲)، عالم‌ترین و حافظ‌ترین بوده است (ذهبی، ۱۴۰۵، ۹: ۵۶۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۳۶: ۱۷۰؛ قضاعی، ۱۴۰۰، ۱۸: ۵۸). از احمد بن حنبل نقل شده که کسی را به لحاظ حدیثی، نیکوتر از عبدالرزاق ندیده‌ام (ذهبی، ۱۴۰۵، ۹: ۵۶۹؛ ذهبی، ۲۰۰۳، ۵: ۳۷۴؛ قضاعی، ۱۴۰۰، ۱۸: ۵۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲، ۲: ۶۱۴؛ النوری، ۱۴۱۷، ۲: ۳۵۸). ذهبی او را خزانه‌ی علم (زرکلی، ۲۰۰۲، ۳: ۳۵۳) و ثقه‌ی حافظ معرفی می‌کند (ذهبی، ۱۳۸۷: ۲۴۸). ابوالوفاء طرابلسی در حق عبدالرزاق گفته: چگونه او ثقه نباشد در حالی که علاوه بر شیخین، امامان شش‌گانه نیز از او روایت کرده‌اند و همان گونه که علی بن مفضل مقدسی گفته، هر که شیخین از او روایت کنند، از پل (نقد و بررسی رجالی) گذشته است (حلبی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۱۲؛ ذیل شرح حال داوود بن حصین). ابن تیمیه نیز او را ستوده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۷: ۱۳).

البته برخی (مثل ابن عباس عنبری) نسبت دروغ‌گویی به وی داده‌اند، لکن چنین نسبتی ارزش ندارد چرا که این نسبت‌ها به خاطر انتساب ایشان به تشیع بوده و در مورد فضائل، احادیثی را نقل کرده که بر مذاق برخی خوشایند نبوده است (ذهبی،



۲۰۰۳، ۵: ۳۷۴؛ قضاعی، ۱۴۰۰، ۱۸: ۶۱؛ جرجانی، ۱۴۱۸، ۶: ۵۴۵)، لذا در همان منابع نسبت‌های یاد شده مورد خدشه واقع شده (ذهبی، ۱۴۰۶: ۱۲۱؛ جرجانی، ۱۴۱۸، ۶: ۵۴۵) و یحیی بن معین در موارد عدیده بر ثقه بودن عبدالرزاق تأکید کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۳۶: ۱۷۲؛ جرجانی، ۱۴۱۸، ۶: ۵۳۹). حتی در ضمن جریانی که شخصیت علمی او در بین برخی‌ها مورد تردید واقع شده بود از یحیی بن معین در مورد این قضیه نقل شده که: اگر عبدالرزاق از اسلام هم بازگردد حدیثش قابل ترک نیست (ذهبی، ۱۴۰۵، ۹: ۵۷۳؛ ذهبی، ۱۳۸۲، ۲: ۶۱۲؛ جرجانی، ۱۴۱۸، ۶: ۵۳۸؛ ذهبی، ۲۰۰۳، ۵: ۳۷۴؛ بکجری، ۱۴۲۲، ۸: ۲۶۹). البته توثیقات ایشان فراتر از موارد مذکور است (جهت مطالعه بیشتر ر.ک: موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۱/۱۶: ۱۶).

۳. معمر بن راشد بصری: وی استاد عبدالرزاق بن همام صنعانی بوده و از زهری، قتاده، یحیی بن ابی‌کثیر، ابواسحاق همدانی و اعمش روایت می‌کند. در منابع رجالی، تاریخی و حدیثی وی با القابی چون: امام، شیخ الاسلام، فقیه، حافظ حدیث، صالح الحدیث، اعلم زمان، متقن، ورع، و ثقه، توثیق شده است (ابن حبان، ۱۴۱۹، ۴: ۳۰۷؛ بغدادی، ۱۹۶۸، ۵: ۵۴۶؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ۷: ۵؛ ذهبی، ۱۳۸۲، ۴: ۱۵۴؛ زرکلی، ۲۰۰۲، ۷: ۲۷۲؛ النوری، ۱۴۱۲، ۳: ۱۵۳؛ سدعی وصابی، ۱۴۳۱، ۲: ۹۸؛ عبدالشافی، ۱۴۲۸: ۳۱؛ مغراوی، بی‌تا، ۲: ۳۴۶).

احمد بن حنبل گفته هیچ کس را با معمر نمی‌سنجی، مگر آنکه معمر را از او دانش‌جوتر می‌یابی. ابن معین گفته معمر در ثبت احادیث زهری، بر ابن عیینه برتری دارد. علی بن مدینی گفته نیک اندیشیدم، دریافتم که اسناد احادیث بر محور شش نفر می‌چرخد بصریان آنها عبارت اند از: شعبه، سعید بن ابی‌عروب، حماد بن سلمه و هم پیمان قبیله حدّان، ابوعروه معمر بن راشد. ابوحاتم رازی می‌نویسد: اسناد احادیث به شش نفر (از حجاز: زهری و عمرو بن دینار، از کوفه: ابواسحاق و اعمش، از بصره: قتاده و از یمامه: یحیی بن ابی‌کثیر) می‌انجامد که معمر همه ایشان را درک کرده و از آنان، روایاتی نوشته است، کسی جز معمر را نمی‌شناسم که دارای این ویژگی باشد. فلاس معمر را از صادق‌ترین مردمان معرفی کرده است (ر.ک: ذهبی، ۲۰۰۳، ۴: ۲۲۳).

۴. زُهری: ابن شهاب زُهری، استاد معمر بن راشد، از سرشناسان و مشاهیر نزد اهل سنت است که با القابی همچون امام، فقیه، حافظ، محدث، ثقه، تابع سرشناس، کسی که ده تن از اصحاب پیامبر ﷺ را دیده، دانش فقهای هفت‌گانه را حفظ کرده، جلالت و اتقان‌ش مورد اتفاق بوده، داناترین و آشناترین مردمان به متون اخبار و خوش



سلیقه‌ترین ایشان در ثبت آنها توصیف شده است (ذهبی، ۱۴۰۵، ۵: ۳۳۵؛ مالک بن انس، ۱۴۲۵، ۶: ۹۷؛ النوری، ۱۴۱۲، ۳: ۸۴؛ نوپهض، ۱۴۰۹، ۲: ۶۳۷؛ علائی، ۱۴۰۷: ۱۰۹؛ ابن حبان، ۱۴۱۹، ۳: ۴؛ قنوجی، ۱۴۲۸: ۹۲).

مالک گفته من در مدینه فقیه محدّثی غیر از ابن شهاب ندیدم (بکجری، ۱۴۲۲، ۱۰: ۳۴۹). سیوطی وی را از بزرگان دانسته و ابوصالح به نقل از لیث گفته که دانشمندی جامع‌تر و عالم‌تر از ایشان ندیده‌ام (ذهبی، ۲۰۰۳، ۳: ۴۹۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ۵: ۳۲۸). عمر بن عبدالعزیز گفته: بر شما باد ملازمت با ابن شهاب، چرا که شما احدی را نخواهید یافت که عالم‌تر از او بر سنت گذشتگان باشد (ذهبی، ۱۴۰۵، ۵: ۳۳۶؛ ابن حبان، ۱۴۱۱: ۱۰۹؛ النوری، ۱۴۱۷، ۳: ۳۱۳)؛ او یسی گفته بعد از رسول خدا ﷺ کسی را نمی‌بینم که جمع کرده باشد آنچه را که ابن شهاب جمع کرده است (بخاری، بی‌تا، ۱: ۲۲۰؛ بغدادی، ۱۴۰۸: ۱۶۶).

برخی (چون ابن حجر)، با اقرار به جایگاه رفیع ابن شهاب در علم و فقاہت، او را جزو مدلسین در رتبه سوم شمرده‌اند (سدعی و صابی، ۱۴۳۱، ۲: ۶۷؛ ابن العراقی، ۱۴۱۵: ۹۱؛ علائی، ۱۴۰۷: ۲۶۹). البته با توجه به جایگاه علمی و عملی او و توثیقات سطح عالی که برایش ذکر شده، شبهه تدلیس از وی مندرج است لذا صنعانی گفته: شایسته نیست بعد از اعتراف به جلالت و اتقان ابن شهاب، او را در ردیف مدلسان قرار داد (صنعانی، ۱۴۱۷، ۱: ۳۳۱).

۵. سعید بن مسیب: همان کسی است که زهری حدیث تشبیه را از او روایت کرده است، وی فقیه اهل مدینه و امام اهل تسنّن و از تابعان بزرگ و جامع فقه، حدیث، زهد و ورع بوده (ذهبی، ۱۴۰۵، ۴: ۲۱۸؛ اصبهانی، بی‌تا، ۷۷۲) و با القاب و ویژگی‌های برجسته‌ای توصیف و توثیق شده است از جمله: احمد بن حنبل و عده‌ای دیگر، مرسلات سعید بن مسیب را در حکم صحیح و مسند دانسته (ذهبی، ۱۴۰۵، ۴: ۲۲۱ و ۲۲۲؛ زرکلی، ۲۰۰۲، ۳: ۱۰۲؛ علائی، ۱۴۰۷: ۱۸۴؛ ابن حجر، ۱۳۲۶، ۴: ۸۵) و از شافعی نقل شده که مرسلات سعید در حکم حسن (ابن حجر، ۱۳۲۶، ۴: ۸۶) است. قتاده، مکحول، زهری، و علی بن مدینی گفته‌اند در تابعین کسی را سراغ نداریم که اعلم از ابن مسیب باشد (ذهبی، ۱۴۰۵، ۴: ۲۲۲؛ بخاری، بی‌تا، ۳: ۵۱۱؛ بغدادی، ۱۹۶۸، ۵: ۹۱؛ ذهبی، ۲۰۰۳، ۲: ۱۱۰۳).

۶. ابوهریره: شخصیت ابوهریره در نزد دانشمندان شیعی مخدوش است، لکن در نزد اهل سنت، مقبول و ممدوح واقع شده و از او به عنوان صحابی و ملازم

پیامبر ﷺ، امام، فقیه، حافظ صحابه، حامل علم طاهر و کثیر از پیامبر ﷺ (ذهبی، ۱۴۰۵، ۲: ۵۷۸ و ۵۷۹؛ قرطبی، ۱۴۱۲، ۴: ۱۷۶۸؛ بخاری، بی‌تا، ۶: ۱۳۳؛ مالک بن انس، ۱۴۲۵، ۶: ۱۱۴)، حافظ‌ترین راوی روزگار (خلف، ۱۴۰۹: ۱۹۴؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ۷: ۳۵۳) و کسی که پیامبر ﷺ در مورد او به حریص بودنش به علم و حدیث، شهادت داده (قرطبی، ۱۴۱۲، ۴: ۱۷۷۱)، یاد شده است.

با توجه به توثیقات فوق، حدیث تشبیه به طریق یاد شده خالی از هرگونه نقص و عیب است، حتی اگر نقصانی در برخی از راویان حدیث باشد طبق مبنای ابن تیمیه، تعدد طرق نقل یک حدیث، سبب تقویت یکدیگر شده حتی مفید علم نیز خواهد شد (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۱۸: ۲۶).

از جوزی نقل شده که با تمسک به یکی از نقل‌های حدیث، آن را ساختگی دانسته با این استدلال که سند حدیث مشتمل بر «علی ابن عمر الأزدی» است و او متروک است (الجوزی، ۱۳۸۶، ۱: ۳۷۰).

لکن این ایراد وارد نیست چراکه حدیث تشبیه به طرق متعددی نقل شده است و متروک بودن یک ناقل در طریقی، خللی به اعتبار سایر طرق وارد نمی‌کند، چنان‌که سیوطی با اذعان به این مطلب، حدیث تشبیه را با طریق دیگری از ابن شاهین از ابوالحمرء در کتاب خود آورده و به لحاظ سندی، خدشه‌ای در آن ندیده است (سیوطی، ۱۴۱۷، ۱: ۳۲۵).

ابن حجر در کتاب القول المسدّد روایت‌های متعددی را از پیامبر ﷺ مطرح کرده و گفته که ابن جوزی به بهانه‌های واهی آنها را تضعیف کرده، لکن تضعیف‌های او مایه‌ی تعجب بوده (ص ۱۳) و در برخی از این روایات چیزی که مقتضی تضعیف یا جعلی بودن آنها باشد، یافت نشد (ابن حجر، ۱۴۰۱، ۱۳، ۱۴ و ۱۶).

حاصل این‌که با توجه به بررسی‌های رجالی انجام شده، در صحت سند حدیث تشبیه، کوچک‌ترین تردیدی باقی نمانده و انکار منکران آن (ابن کثیر، بی‌تا، ۷: ۳۵۶؛ شوکانی، بی‌تا: ۳۶۷؛ ذهبی، بی‌تا: ۳۴۴؛ الکنانی، ۱۳۹۹، ۱: ۳۸۵) تعصب صرف (میلانی، ۱۳۸۶، ۳: ۳۶؛ همو، ۱۴۰۹، ۱۹: ۳۹۲) و بهتان محض و افترای بدون دلیل است (موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۱۶: ۶۵). چه بسا به خاطر کثرت نقل این حدیث، و غیر قابل انکار بودن آن، بوده که برخی از دانشمندان اهل سنت، نیازی به ذکر سلسله‌ی راویان آن ندیده و آن را به صورت «ارسال مسلم» در منابع خود نقل کرده‌اند (ایچی، ۱۹۹۷: ۴۱۰؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۳۶۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۲۹۵ و ۲۹۶؛

نعمانی، ۱۴۱۹، ۵: ۲۹۱؛ اثیر الدین الأندلسی، بی تا: (۳۵۹).

همچنین در برخی از منابع اهل سنت، بدون ذکر سلسله سند آن و در موافقت با محتوای حدیث و برتری حضرت علی علیه السلام مطالبی را مطرح کرده و احادیث دیگری از فضایل امام علی علیه السلام را که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، مطرح کرده‌اند (عصامی مکی، ۱۴۱۹، ۳: ۵۷؛ خادمی حنفی، ۱۳۴۸، ۱: ۲۱۱؛ ابن مغزلی، ۱۴۲۴: ۲۰۰). ابن شاهین پس از نقل حدیث تشبیه در کتاب‌های متعدد خود، بیان کرده که این فضیلت منحصر در علی بوده و احدی با او شریک نیست (ابن شاهین، ۱۴۱۵: ۱۵۱؛ همو، ۱۴۱۶، ۱: ۹۲ و ر.ک: اثیرالدین الأندلسی، بی تا: ۳۵۹). جوینی از علمای بزرگ اهل سنت، پس از نقل حدیث تشبیه (۱۳۹۸، ۱: ۱۷۰)، این روایت را دارای مصادر فراوان دانسته است.

بدیهی است اگر این طایفه از دانشمندان اهل سنت، در سند حدیث و صحت صدور آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تردیدی داشتند نوبت به تأیید محتوای آن نمی‌رسید. با توجه به اتقان بسیار بالای صدور روایات، بطلان ایراد عبدالعزیز دهلوی که روایات را ساختگی دانسته و انتساب نقل آن را به علمای اهل سنت بدعت و مردود شمرده و آن را صرفاً به ادعای شیعیان نسبت داده (۱۳۷۳، ۱: ۱۶۶) آشکار می‌شود. و عجب اینکه پدر دهلوی (ولی الله دهلوی) در کتاب «قرّة العینین» این حدیث را همراه با سند صحیح ذکر کرده است (ر.ک: موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۱/۱۶: ۴۴۲؛ ۲/۱۶: ۶-۷).

۴. دلالت حدیث

دانشمندان اسلامی با توجه به محتوای حدیث، شایستگی هایی از قبیل برابری با انبیای الهی و حتی برتری بر ایشان (به غیر از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم)، مقام عصمت، و برتری بر سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تعیین خلافت و امامت در وجود امام علی علیه السلام را اثبات کرده‌اند.

۴-۱. برابری با انبیاء

در منابع گوناگون کلامی از حدیث تشبیه در گام نخست مثلثیت و برابری امام علی علیه السلام با انبیاء یاد شده در روایت استفاده شده (علامه حلی، ۱۴۱۵: ۴۶۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۳۸۶؛ علامه حلی، ۱۳۷۹: ۱۰۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۳۵۴؛ مرعشی، ۱۴۰۹، ۴: ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۵، و ج ۵: ۵؛ خضر رازی، ۱۴۲۴: ۶۷؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹: ۳۳۹) و در گام دوم به برتری ایشان بر انبیاء - به غیر از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم - استدلال شده (طبری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۳۲؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲، ۱: ۷؛ مقدس اردبیلی،

۱۳۸۳، ۱: ۲۵۳؛ مرعشی، ۱۳۶۷: ۲۷۶؛ حسن زاده آملی، ۱۳۸۱، ۲: ۴۵۰) و دلایلی برای این مسئله بیان شده است:

الف. مقتضای ترکیب عبارت: اصل ترکیب حدیث «هر که می خواهد به... نظاره کند» بیان گر این همانی و یکسانی دو طرف قضیه است؛ این سخن درست مانند آن است که گفته شود: هر که می خواهد به برترین مرد شهر بنگرد، فلانی را نظاره کند. تردیدی نیست که در این سخن، جایی برای تشبیه وجود ندارد. یعنی مقصود این نیست که کسی که نگریستن بدو امر شده، حقیقتاً برترین مرد شهر نبوده، بلکه مشابه برترین مرد شهر است. در چنین سخنی، جایی برای آنکه مراد گوینده تنها مشابهت باشد، نیست؛ بلکه مقصود آن است که شخص مورد نظر حقیقتاً همان برترین مرد شهر است. البته با توجه به اینکه در حدیث تشبیه، این همانی و عینیت ممکن نیست، چاره‌ای نیست جز آنکه حدیث بر نزدیک‌ترین معنا به عینیت که همان برابری است، حمل شود. از این رو، معنای حدیث چنین است: هر که می خواهد دانش آدم را نظاره کند، علی بن ابی طالب را بنگرد؛ چرا که علی در دانش، همانند آدم بوده و همه دانش‌های گردآمده در آدم، در علی علیه السلام جمع است. سایر ویژگی‌های یاد شده در حدیث نیز همین گونه‌اند. بنابراین روشن است که مراد حدیث، تنها برابری در ویژگی‌هاست؛ در غیر این صورت، کلام پیامبر صلی الله علیه و آله از بلاغت شایسته آن، خارج می‌شود.

ب. تبادر و صحت سلب: علاوه بر اقتضای ترکیب عبارت، آنچه از تشبیه به ذهن متبادر می‌شود نیز برابری است. اگر در این حدیث شریف، به جای لفظ «برابری» حرف تشبیه در تقدیر گرفته شود، باز هم به سبب تبادر یاد شده، بی هیچ شکی، برابری را می‌رساند. از طرفی درستی سلب تشبیه در حالتی که میان طرفین رابطه تساوی برقرار نیست، این تبادر را روشن‌تر می‌کند؛ مثلاً اگر زید در علم و دانش مساوی عمرو نباشد، می‌توان گفت: زید در کمال علم مانند عمرو نیست؛ حال اگر تشبیه، بیان گر برابری نبود، سلب تشبیه در حال نابرابری نادرست می‌بود. بنابراین همانندی امام علیه السلام با پیامبران در ویژگی‌هایی که در حدیث آمده همین گونه است و حمل این همانندی بر مطابقت تام و یکسانی کامل و برابری دقیق، لازم است و غیر این، روا نیست (ربلی، ۱۳۸۱، ۱: ۱۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۷: ۱۶۱؛ موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۲/۱۶: ۷۷-۷۸؛ میلانی، ۱۴۰۹، ۱۹: ۳۱۰ و ۳۱۱).

۲-۴. برتری بر سایر انبیاء

بر اساس حدیث تشبیه هر صفتی از صفات امیرالمؤمنین علیه السلام مساوی بهترین صفات انبیاء است. بر این اساس امام علی علیه السلام از حیث جامعیت، افضل سلسله انبیاء - به غیر از نبی مکرم اسلام - است. علاوه بر استدلال فوق، دانشمندان اسلامی با الهام از برخی آیات، به اثبات افضلیت امام علی علیه السلام نسبت به سایر انبیاء نیز استدلال کرده‌اند: خداوند متعال در سوره انعام از آیه ۸۳ تا ۸۶، اسم هجده تا از پیامبران خود را نام برده و ضمن اشاره به پاره‌ای از ویژگی‌های آنان و بیان این که همه‌ی ایشان مورد هدایت الهی واقع شده و از صالحان بوده و بر جهانیان برتری داده شده‌اند؛ به پیامبر اکرم دستور می‌دهد که به هدایت پیامبران ذکر شده - در آیات قبل - اقتدا کند (انعام: ۹۰).

برخی از مفسران با توجه به آیه‌ی فوق، شبهه‌ی برتری انبیای پیشین، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مطرح کرده‌اند؛ فخر رازی در پاسخ اشکال یاد شده می‌نویسد: خداوند به رسولش دستور داده در همه‌ی صفات نیک و اخلاق شایسته بر همه‌ی پیامبران پیشین اقتدا کند و این امر نه تنها رتبه او را پایین نمی‌آورد بلکه موجب برتری او بر همه‌ی انبیای سابق می‌شود؛ چرا که صفات کمال در انبیای گذشته به صورت پراکنده مطرح بوده است، داود و سلیمان از اصحاب شکر نعمت بوده‌اند؛ ایوب از اصحاب صبر و موسی صاحب شریعت قوی و معجزات آشکار؛ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، از اصحاب زهد بوده و اسماعیل صاحب صدق و یونس دارای تضرع به پیشگاه الهی بوده است. حال پیامبر با تبعیت از هدایت همه‌ی پیامبران، در واقع کمالات همه‌ی انبیای گذشته را - که به صورت پراکنده در بین آنها بوده - در خود جمع کرده و افضل از همه‌ی انبیای پیشین است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۳: ۵۷).

حال با استناد به استدلال رازی و بر اساس حدیث تشبیه می‌توان گفت که همه‌ی صفات کمالی که در حدیث به صورت پراکنده برای انبیای پیشین مطرح شده در امام علی علیه السلام یکجا جمع شده و ایشان برتر از همه‌ی انبیاء - به غیر از نبی مکرم اسلام - است.

بلکه اثبات برتری امیر مؤمنان علیه السلام بر انبیاء بر اساس حدیث تشبیه، از اثبات برتری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دیگر فرستادگان، روشن‌تر است، چون احتجاج به آیه شریفه، به مقدماتی نیازمند است. نخست اینکه وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به پیروی فرمان یابد، ترک فرمان پیروی از جانب آن حضرت محال باشد. دوم اینکه مراد از هدایت انبیای

پیشین، همه خصال نیکویی باشد که به تک تک ایشان اختصاص دارد. سوم: پیروی نبی اکرم ﷺ از پیامبران گذشته، مانع برتری حضرتش از ایشان نباشد. لیکن در حدیث تشبیه، به هیچ یک از این مقدمات نیازی نبوده و حدیث به تنهایی، ویژگی‌های پیامبران پیشین را برای امام اثبات می‌کند (ر.ک: موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۲/۱۶: ۸۳-۸۴).

در برخی روایات نیز به برتری امام علی علیه السلام بر انبیای پیشین تصریح شده است. امام حسن علیه السلام پس از شهادت امام علی علیه السلام فرمودند: دیشب شخصیتی قبض روح شد که کسی از پیشینیان بر او سبقت نگرفت مگر به فضل نبوت «لقد قبض فی هذه اللیلة رجل ما سبقه الأولون إلا بفضل النبوة» (هاشمی خوئی، ۱۴۰۲، ۱۷: ۳۶۹).

سرّ مطلب در این است که وجود انسان کامل بعد از حق، کل وجود و کمال در حقیقت و عالم معنی، نوعی از وحدت دارند، چنان که در ائمه علیهم السلام آمده است که: نور واحدند و تفاوت در ظهور کمالات است نه به حسب حقیقت. قول امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود «كنت مع جميع الانبياء سراً و مع خاتمهم جهراً» من در باطن با همه‌ی انبیاء و در (باطن) و ظاهر با خاتم انبیاء بودم؛ اشاره به همین حقیقت دارد (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۷۷؛ حسن زاده آملی، ۱۳۶۵: ۱۱۶). محی‌الدین عربی نیز در این باب می‌نویسد: کسی به صادر نخستین نرسیده مگر دو نفر، یکی خاتم انبیا و دیگری علی بن ابی طالب علیه السلام چرا که علی نزدیک‌ترین کس به پیامبر بوده و او سرّ همه‌ی انبیاء است (ابن عربی، بی‌تا، ۱: ۱۱۹ و ر.ک: حسن زاده آملی، ۱۳۸۱، ۲: ۴۵۲).

۳-۴. برتری بر سایر اصحاب

پس از اثبات برابری امام علیه السلام در هر یک از صفات با انبیاء از یک سو، و برتری او بر تک تک انبیاء (به غیر از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم)، به طریق اولی‌ی‌ترین، برتری امام بر همه اصحاب و افراد امت اسلامی ثابت می‌شود؛ چرا که برتری انبیاء بر اصحاب اجماعی است و ثابت شد که امیرالمؤمنین علیه السلام مساوی - بلکه - برتر از انبیاء بوده و مساوی با افضل (انبیا)، افضل خواهد بود، بنابراین امام علی علیه السلام افضل و برتر از همه‌ی اصحاب است (اربلی، ۱۳۸۱، ۱: ۱۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۷: ۱۶۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹: ۳۳۹؛ مرعشی، ۱۳۶۷: ۲۷۶؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۵۴۳؛ همو، ۱۳۷۳: ۱۴۳؛ استرآبادی، ۱۳۸۲، ۳: ۳۴۸). گذشته از اینها اساساً امیرالمؤمنین را نباید با اصحاب مقایسه کرد، چرا که

در مقایسه مجانست و سنخیت شرط است، علی علیه السلام طبق دلایل متعدد معصوم بوده و او را بایستی با معصومانی چون انبیای پیشین سنجید - همان گونه که در حدیث تشبیه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است - نه با انسان های غیر معصوم (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱، ۲: ۴۵۰-۴۵۲؛ جهت مطالعه بیشتر در افضلیت ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۷، ۱: ۳۴۶، مدخل افضلیت امام علی علیه السلام).

۴-۴. عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام

پیامبران الهی معصوم بودند، و مفاد حدیث تشبیه - چنان که بیان شد - برابری امام علی علیه السلام با عموم پیامبران و برتری ایشان بر هر یک از آنان - جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - است. از آنجا که برابری معصوم با غیر معصوم، و برتری غیر معصوم بر معصوم باطل است، معصوم بودن امام علی علیه السلام اثبات می شود.

۴-۵. امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام

بر اساس حدیث «تشبیه» ویژگی های برجسته ای که در پیامبران الهی پراکنده شده، در امیرالمؤمنین علیه السلام یکجا فراهم شده و بر اساس همین جامعیت کمالی، ایشان نه تنها افضل از سایر مردمان، بلکه برتر از همه پیامبران، جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند و چون امیرالمؤمنین علیه السلام برترین فرد امت پس از رسول خداست، خلافت عام و امامت امت نیز تنها شایسته اوست و بنابر قاعده عقلی «قبیح تقدیم مفضول بر افضل»، پیشی گرفتن دیگری بر او در خلافت، باطل است (کراجکی، ۱۴۲۷: ۵۲؛ طوسی، ۱۳۸۲، ۱: ۲۱۵؛ علامه حلی، ۱۴۰۹: ۲۷۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۳۷۴).

عماد الدین طبری با استناد به حدیث تشبیه می نویسد: اجتماع اوصاف کمالی انبیاء، در امیرالمؤمنین علیه السلام دلیل بر افضلیت ایشان از انبیاء است و همچنان که موسی، عیسی و ابراهیم علیهم السلام در زمان خودشان، بر سایر امت مقدم بوده اند، علی علیه السلام نیز در زمان خود مقدم بر همه امت بوده و احدی از امت حق تقدم بر ایشان در امامت و عمارت ندارد (طبری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۳۲).

ابن تیمیّه که به ستیزه جویی و تعصب معروف است، در باره لزوم جانشینی برترین مردم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله می نویسد: به تحقیق، پیامبر صلی الله علیه و آله برترین مردمان بود و شبیه ترین مردم به او، برتر از دیگران است، از طرفی خلافت به معنای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است نه جانشینی پادشاهی، پس هر کس جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله بشود به ناچار شبیه ترین مردم به او و برترین آنان نیز خواهد بود (ابن تیمیّه، ۱۴۰۴، ۸: ۲۲۸).

این سخن که شبیه‌ترین فرد به پیامبر، برترین و سزاوارترین فرد به جانشینی از اوست، سخنی استوار و به اقتضای عقل است، اما این بدان معنا نیست که هر کسی ادعای خلافت کرد و یا به هر طریقی خودش را در جایگاه خلافت قرار داد، بیانگر برتری و شایستگی او باشد، چرا که مؤلفه‌های برتری و شایستگی، نوعاً باطنی و نفسانی بوده و بایستی از جانب خداوند - به طور مستقیم یا غیر مستقیم - و به صورت معصومانه معرفی شود و این مسئله در مورد امام علی علیه السلام اتفاق افتاده و پیامبر گرامی اسلام در قالب احادیث متعددی - از جمله حدیث تشبیه - امام علی علیه السلام را شبیه‌ترین فرد به انبیاء و برترین فرد از امت برای جانشینی خود معرفی کرده است (ر.ک: موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۲/۱۶: ۹۷-۹۸).

در اینجا تنها دو فراز از حدیث تشبیه با استناد به آیات قرآن مورد استدلال واقع می‌شود:

الف. همانندی با آدم در علم: طبق بیان قرآن، خداوند حضرت آدم را خلیفه و جانشین خود در روی زمین قرار داد (بقره: ۳۰)؛ طبق محتوای این آیه و دیدگاه مفسران، یکی از عوامل مهم شایستگی آدم برای سجده فرشتگان بر او و برخورداری از خلافت الهی - که فرشتگان فاقد آن صلاحیت بودند - تعلیم اسماء الهی بود: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ (بقره: ۳۱). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به خاطر دارا بودن همان علم، شایستگی کسب امامت و خلافت از جانب خداوند بر امت بوده و احدی از امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حق تقدم بر او را ندارد.

ب. برخورداری از مقام خلت ابراهیم علیه السلام: خلت، به معنای صداقت و محبت خاصی است که در اعماق قلب بوده و در آن هیچ گونه خللی نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۱: ۲۱۷). بر اساس آیات قرآن (بقره: ۱۲۴) خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را بعد از آزمایش‌های گوناگون و طی منازل متعدد سیر و سلوک و عبودیت، به مقام نبوت و رسالت و بعد از آن به مقام خلیلی رساند و بعد از دریافت شایستگی مقام خلت، او را به مقام امامت برگزید (بقره: ۱۲۴؛ نساء: ۱۲۵؛ و ر.ک: موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ۹: ۳۱۷ و ۳۳۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱: ۲۷۸).

حال با توجه به حدیث تشبیه، امام علی علیه السلام آئینه تمام نمای مقام خلت ابراهیم بوده و شایستگی برای مقام امامت بر امت را داراست. جالب اینجاست که وقتی خداوند حضرت ابراهیم را به مقام امامت برگزید با توجه به برجسته بودن این جایگاه در نزد وی، ایشان این مقام را برای ذریه‌ی خویش نیز درخواست کردند و خداوند در پاسخ به

درخواست ابراهیم، فرمودند: این مقام، عهدی است که به ظالمان نمی‌رسد (بقره: ۱۲۴). در مسئله خلافت و امامت بعد از پیامبر ﷺ نیز، چون در بین مدعیان خلافت، به غیر از امام علی علیه السلام همه، سابقه کفر و ظلم داشتند، بنابراین هیچ کدام از آنان - بجز امام علی علیه السلام - شایسته چنین مقامی نبودند.

۶. پاسخ به اشکالات

از سوی برخی از دانشمندان اهل سنت ایراداتی بر سند و دلالت حدیث مطرح شده است. پاره‌ای از اشکالات سندی، در ضمن بررسی سندی حدیث پاسخ داده شد. در ادامه، برخی اشکالات دلالتی مطرح و پاسخ داده می‌شود:

۱-۶. استعاره و کنایه‌ای بودن مضمون حدیث

گفته شده: به فرض قبول حدیث، آنچه در حدیث بیان شده، تشبیه برخی از صفات امیر به بعضی از صفات انبیاء است و اگر از تشبیه هم بگذریم، این در نهایت به استعاره برمی‌گردد، و منای استعاره نیز تشبیه است، و تشبیه، دلالتی بر مساوات بین مشته و مشته‌به ندارد (دهلوی، ۱۳۷۳، ۱: ۱۶۶).

پاسخ

دانشمندان علم بلاغت اتفاق نظر دارند که مجاز و کنایه رساتر از حقیقت و تصریح بوده و استعاره نیز از همه‌ی آنها رساتر است؛ زیرا انتقال معنا در مجاز و کنایه، از ملزوم به لازم است که به دعوی چیزی بر اساس بینه می‌ماند؛ چرا که به دلیل محال بودن جدایی ملزوم از لازم، وجود ملزوم، مستلزم وجود لازم است. اما وجه رساتر بودن استعاره از تشبیه بدان جهت است که استعاره گونه‌ای از مجاز بوده و تشبیه نوعی از حقیقت است، و بیان شد که مجاز از حقیقت رساتر است.

رساتر بودن کنایه و مجاز بدان معنا نیست که در عالم واقع، جزئی از آن دو، معنای افزون‌تری را پدید می‌آورد که در حقیقت و تصریح، یافت نمی‌شود؛ بلکه مقصود آن است که مجاز و کنایه، استواری اثبات معنا را افزون می‌کنند. استعاره بیان‌گر آن است که ویژگی مورد نظر، بدان‌سان که در مشته‌به وجود دارد، در مشته نیز به حد کمال رسیده است و مشته، در آن ویژگی، کاستی ندارد (عونی، بی‌تا، ۱: ۱۵۸؛ خطیب قزوینی، ۱۴۲۶، ۳: ۵۵۵؛ سبکی، ۱۴۲۳، ۲: ۲۲۰؛ عسکری، ۱۴۱۹: ۲۷۱؛ حسینی علوی، ۱۴۲۳، ۱: ۱۲۸؛ تفتازانی، ۱۴۱۱: ۲۶۲؛ سیوطی، بی‌تا، ۱: ۱۱۳).

همچنین، یکی از شروط استعاره، وجود امری است که به مشته‌به اختصاص دارد

و هدف، اثبات آن برای مشبته است. بر این اساس، هر گاه حدیث از باب استعاره باشد، به تحقیق، نبی اکرم صلی الله علیه و آله دانشی که به آدم اختصاص دارد و نیز اوصاف سایر پیامبران را برای امیر مؤمنان اثبات کرده است. اگر این گونه نباشد، به سبب فقدان شرط، حدیث در شمار استعاره نخواهد بود و ادعای دهلوی در بر شمردن حدیث از باب استعاره، باطل خواهد شد.

حاصل مطلب این که تشبیه و استعاره، هر دو، برابری مشبته و مشبته را می‌رسانند؛ جز اینکه در استعاره، تأکید افزونی بر این برابری نهفته است و از این رو، بر تشبیه برتری دارد. بر این اساس، اگر حدیث، از باب استعاره باشد (طبق نظر دهلوی)، در بیان برابری و مساوات، رساتر نیز خواهد بود (ر.ک: موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۲/۱۶: ۱۲۹).

۲-۶. عدم دلالت مناقب و فضایل بر افضلیت

برخی با وجود اعتراف به کمالات امام علی علیه السلام و تأیید صدور حدیث، دلالت آن را بر افضلیت انکار کرده‌اند. تفتازانی در شرح مقاصد (۱۴۰۹، ۵: ۲۹۹) آورده است: بحثی در عموم مناقب و فراوانی فضائل و اتصاف به کمالات و اختصاص حضرت به کرامات نیست، لکن افضلیت به معنای زیادت ثواب و کرامت نزد خداست و این موارد دلیل بر زیادت ثواب و کرامت نزد خدا نیست (نیز ر.ک: آمدی، ۱۴۲۳، ۵: ۲۹۱؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۳۷۲).

پاسخ

تردید نیست که وجود هر یک از این اوصاف، بیان‌گر کمالات و همچنین زیادت ثواب است، زیرا ثواب، مترتب بر افعال شایسته بوده و افعال شایسته نیز از کسی صادر می‌شود که دارای خصال نیک باشد. اگر آدمی در ذاتش فاقد صفات جمیل باشد، هرگز مبدأ افعال شایسته نبوده و ثوابی نیز نخواهد داشت. این اشکال، ناشی از مبانی نادرست در ترتب ثواب است. متکلمان اشعری ثواب را تفضلی دانسته و بر این باورند که چه بسا خداوند ثوابی به مطیع نداده و غیر مطیع را پاداش دهد (آمدی، ۱۴۲۳، ۵: ۲۹۰) و حتی کفار را وارد بهشت کرده و زاهدان و عابدان را داخل جهنم کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۲: ۶۷). این نظریه علاوه بر اینکه خلاف صریح آیات و روایات بوده (ر.ک: قرطبی، ۱۴۲۳، ۲: ۱۴۵)، به لحاظ عقلی نیز نادرست است.

در برخی نقل‌های حدیث تشبیه که ابوبکر نیز در مجلس حاضر بوده، پس از



اینکه پیامبر ﷺ را در سه خصلت به آدم و نوح و ابراهیم تشبیه کردند، ابوبکر به پیامبر ﷺ عرض می‌کند: آیا یک نفر را به سه پیامبر مقایسه می‌کنی، آفرین بر این شخص! و از پیامبر ﷺ درخواست می‌کند که او را معرفی کند. پیامبر ﷺ می‌فرماید او همان علی بن ابی‌طالب است؛ سپس ابوبکر دو بار امام علی را به خاطر دارا بودن چنین خصلتی مورد تحصین قرار داده و می‌گوید: آفرین، آفرین بر تو ای ابالحسن، مثل تو کجا پیدا می‌شود؟! (ابن شاذان، ۱۴۲۳: ۱۰۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱: ۱۱۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۵۵، مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹: ۲۷۶).

و به خاطر همین خصلت‌ها بوده که ابوبکر در موارد متعددی به افضلیت و برتری علی را به طور مطلق، تصریح کرده است. از جمله اینکه بعد از رحلت پیامبر ﷺ، وقتی ابوبکر و علی برای زیارت قبر پیامبر ﷺ می‌آیند، علی را به ابوبکر تعارف می‌کند که ابتدا او وارد شود، ابوبکر در پاسخ می‌گوید: هرگز بر کسی مقدم نخواهم شد که از رسول خدا ﷺ در باره او شنیدم که می‌فرمود: جایگاه علی نسبت به من، همانند جایگاه من نسبت به پروردگار است (ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷، ۲: ۵۱۷؛ طبری، بی‌تا، ۱: ۱۲۴ و ج ۲: ۶). همچنین دارقطنی از شعبی نقل می‌کند علی را وارد مجلسی شد که ابوبکر نیز در آن حاضر بود، ابوبکر به محض دیدن علی گفت: هر کس دوست دارد به بزرگ‌ترین مردم از حیث جایگاه و نزدیک‌ترین مردم از حیث قرابت، و برترین و بزرگ‌ترین مردم از حیث حق، در نزد رسول خدا را ببیند، به این تازه‌وارد (علی) نگاه کند (ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷، ۲: ۵۱۷).

۳-۶. مخالفت با اجماع

اشکال دیگر اینکه اولاً اجماع قائم شده که انبیاء بر غیر انبیاء برتری دارند و احدی از غیر نبی بر نبی رجحان ندارد (آمدی، ۱۴۲۳، ۵: ۲۹۱؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۳۶۹ - ۳۷۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۸: ۲۴۸؛ نعمانی، ۱۴۱۹، ۵: ۲۹۱؛ محمد بن عبدالوهاب، بی‌تا، ۱: ۲۷ و ۲۸؛ دهلوی، ۱۳۷۳، ۱: ۱۶۶). ثانیاً افضلیت ابوبکر و سپس عمر بر سایرین مورد اتفاق و قریب به اجماع است.

پاسخ

در مورد افضلیت انبیاء این مطلب روشن است که هر پیامبری در دوران خودش بایستی افضل از سایر امت باشد در غیر این صورت ترجیح مفضول بر فاضل لازم می‌آید که عقلاً نادرست است؛ اما این ادعا که برتری انبیا بر غیر انبیاء - به طور مطلق -

اجماعی است؛ ادعایی بدون دلیل است (مظفر، ۱۴۲۲، ۶: ۳۳۰)، و اگر هم اجماعی وجود داشته باشد، بر مدعای شیعه و بر اساس حدیث تشبیه، منعقد شده است؛ چرا که قاطبه شیعه و جمع قابل توجهی از اهل سنت بر وجود این فضیلت‌ها در امام علی علیه السلام اعتراف کرده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳، ۱: ۲۵۳)، و بیان شد کسی که جامع همه‌ی فضیلت‌هاست، بر کسی که متفرد در برخی فضایل است، برتری دارد. مضاف بر این، اجماعی که خارج از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام شکل گرفته باشد، بالاجماع باطل است (علامه حلی، ۱۳۶۵: ۱۹۵).

همچنین، افضلیت پیامبر از تمام انبیاء اجماعی است، و از طرف دیگر، طبق دلائل گوناگون از جمله روایتی که پیش از این از ابوبکر نقل شد، جایگاه علی علیه السلام نسبت به پیامبر، همانند جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به خداست، یعنی امام علی علیه السلام به منزله نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است، بنابراین امام علی علیه السلام نیز برتر از همه‌ی انبیاء -به غیر از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله - است (میلانی، ۱۴۱۳: ۱۳۶). همچنین روایتی که از امام حسن علیه السلام پس از شهادت امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: دیشب شخصیتی قبض روح شد که کسی از پیشینیان بر او سبقت نگرفت مگر به فضل نبوت؛ با توجه به مجموعه اینها و روایات متعدد دیگر، اجماع مورد ادعای برخی از علمای عامه، فاقد وجهت است.

اما اجماع ادعائی دوم بر تقدیم ابوبکر و عمر نیز بی‌اساس است، و این مطلب با اعترافاتی که از خود خلیفه اول و دوم در منابع تاریخی نقل شده به وضوح روشن می‌شود. برخی از این موارد در همین مقاله بیان شد، از جمله‌ی اینکه ابوبکر بعد از بیعت عده‌ای با او، بالای منبر رفت و ضمن سخنانی به مردم گفت: مرا از خلافت عزل کنید، من بهترین شما نیستم در حالی که علی در میان شماست (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۶؛ کراجکی، ۱۴۲۱: ۹۹؛ حسینی حلی، ۱۴۰۰، ۲: ۴۰۲؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۶۵؛ خضر رازی، ۱۴۲۴: ۳۷۳). این اعتراف به عدم لیاقت نسبت به خلافت، از دو حال خارج نیست یا جدی گفته که در این صورت او صلاحیت خلافت را ندارد، یا قصد شوخی داشته، در حالی که شوخی با مقام خلافت سازگار نیست (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۶۵؛ غزالی، ۱۴۱۶: ۴۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۲: ۸۲۶؛ همو، ۱۴۲۵: ۲۲۸).

همچنین از عمر نقل شده که: علم مجموعاً شش دانگ است که پنج دانگ آن به علی علیه السلام داده شده و یک دانگ آن به سایر مردم، و علی در آن دانگ ششم با دیگران مشارکت داشته و از همه به آن، اعلم است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۲: ۳۱؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱: ۱۱۷؛ هاشمی خوئی، ۱۴۰۲، ۲: ۴۰۱).



نکته آخر پیرامون روایات و اخباری که در فضیلت خلفای ثلاث مطرح شده این که اولاً این دسته از روایات مجعول بوده و ثانیاً اهل سنت در نقل این دسته از روایات متفرد هستند و هیچ‌یک از فرق و طوایف را نمی‌توان برای پذیرش عقاید فرق دیگر الزام کرد، از طرفی اهل سنت چاره‌ای جز پذیرش اخبار مورد ادعای شیعه را ندارند چرا که اخبار مورد ادعای شیعه علاوه بر منابع شیعی، توسط دانشمندان بزرگ اهل سنت در دست اول آنها نیز نقل شده است که در صورت تعارض، این قبیل اخبار همچنان برای اهل سنت بدون معارضه بوده و حجت خواهند بود (تنکابنی، ۱۳۸۲، ۲: ۳۴۵؛ موسوی لکهنوی، ۱۳۶۶، ۲/۱۶: ۱۶۴-۱۶۵؛ میلانی، ۱۴۰۹، ۱۹: ۳۹۱-۳۹۲).

نتیجه‌گیری

حدیث تشبیه علاوه بر منابع شیعه، در منابع متعدد اهل سنت و توسط کثیری از صحابه و تابعین، به طرق متعدد نقل شده و تردیدی در صحت صدور آن از پیامبر ﷺ وجود ندارد. به لحاظ محتوایی نیز دلالت بر افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام دارد؛ زیرا بنا بر این حدیث، همه‌ی ویژگی‌های برجسته پیامبران پیشین، در امام علی علیه السلام به صورت یک‌جا جمع بوده و براساس آن، برتری امام علی علیه السلام بر هر یک از انبیای پیشین (به غیر از نبی مکرم اسلام)، و همچنین برتری وی بر همه صحابه پیامبر اسلام به اثبات رسیده و از مجرای آن امامت و خلافت بلافصل ایشان ثابت می‌شود. و با توجه به کثرت و تعدد نقل حدیث و اتقان محتوای آن، شبهات منکران حدیث چه به لحاظ سندی و چه به لحاظ دلالتی اعتباری ندارد.

فهرست منابع

۱. ابن العراقى، أبوزرعة، أحمد بن عبدالرحيم، ١٤١٥ق، *المدلسين*، محقق: رفعت فوزى عبد المطلب، نافذ حسين حماد، بيروت، دارالوفاء.
۲. ابن بدرالدين، حسين، ١٤٢٢ق، *ينابيع النصيحة في العقائد الصحيحة*، تحقيق: مرتضى محطوري، صنعاء، مكتبة البدر.
۳. ابن تيميه حرانى، ١٤١٦ق، *مجموع الفتاوى*، محقق: عبدالرحمن بن محمد، مدينه منوره، مجمع الملك فهد.
۴. ابن تيميه حرانى، أحمد بن عبدالحليم، ١٤٠٤ق، *منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية*، تحقيق: محمد رشاد سالم، رياض، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية.
۵. ابن حبان، محمد التميمي، ١٤١١ق، *مشاهير علماء الأمصار وأعلام فقهاء الأقطار*، تحقيق و تعليق: على ابراهيم مرزوق، بيروت، دار الوفاء.
۶. ابن حبان، محمد التميمي، ١٤١٩ق، *الثقات لابن حبان*، بيروت، دارالكتب العلمية.
۷. ابن حجر عسقلانى، أحمد بن على، ١٣٢٦ق، *تهذيب التهذيب*، الهند، مطبعة دائرة المعارف النظامية.
۸. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، ١٤٠١، *القول المسدد في الذب عن المسند للإمام أحمد*، قاهره، مكتبة ابن تيميه.
۹. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، ١٤٠٦، *لسان الميزان*، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
۱٠. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، ١٤١٥ق، *الإصابة في تمييز الصحابة*، تحقيق: أحمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱١. ابن حجر هيثمى، أحمد بن محمد، ١٤١٧ق، *الصواعق المحرقة على أهل الرفض والفضال والزندقة*، محقق: عبدالرحمن بن عبدالله التركى - كامل محمد الخراط، لبنان، مؤسسة الرسالة.
۱٢. ابن شاذان قمى، ١٤٢٣ق، *الروضة فى فضائل أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام*، محقق: على شكرچى، قم، مكتبة الأمين.
۱٣. ابن شاهين، أبو حفص عمر بن أحمد، ١٤١٥ق، *شرح مذاهب أهل السنة و معرفة شرائع الدين و التمسك بالسنن*، محقق: عادل بن محمد، بى جا، مؤسسة قرطبة.
۱٤. ابن شاهين، أبو حفص عمر بن أحمد، ١٤١٦ق، *الكتاب اللطيف لشرح مذاهب أهل*

- السنة ومعرفة شرائع الدين والتمسك بالسنن، محقق: عبدالله بن محمد البصري،
مدينته، مكتبة الغرباء الأثرية.
١٥. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي، ١٣٧٩ق، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، بي جا،
بي نا.
١٦. ابن طاووس، سيد احمد، ١٤١١ق، بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية،
قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
١٧. ابن عربي، محيي الدين، بي تا، الفتوحات المكية في معرفة أسرار المالكية والملكية،
بي جا، بي نا.
١٨. ابن عساكر، علي بن الحسن، ١٤١٥ق، تاريخ دمشق، محقق: عمرو بن غرامة العمروي،
بيروت، دار الفكر.
١٩. ابن عطية، جميل حمود، ١٤٢٣ق، أبهى المداد في شرح مؤتمر علماء بغداد، بيروت،
مؤسسة الأعلمي.
٢٠. ابن كثير، عماد الدين اسماعيل، بي تا، البداية و النهاية، تحقيق: علي شيري، بيروت، دار
احياء التراث العربي.
٢١. ابن مغازلي شافعي، علي بن محمد، ١٤٢٤ق، مناقب ابن المغازلي الشافعي، بيروت،
دار الاضواء.
٢٢. ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٤١٤ق، لسان العرب، بيروت، دار الفكر - دار صادر.
٢٣. أبو زيد، بكر بن عبدالله، ١٤٠٧ق، طبقات النسابين، الرياض، دارالرشد.
٢٤. أثير الدين الأندلسي، محمد بن يوسف، بي تا، لسان البيان المهذب لتفسير أبي حيان،
جمع و ترتيب، عبدالرحمن القماش، بي جا، بي نا.
٢٥. اربلي، أحمد بن محمد، بي تا، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، محقق: إحسان
عباس، بيروت، دار صادر.
٢٦. اربلي، ابوالفتح علي بن عيسى، ١٣٨١ق، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبريز، بني
هاشمي.
٢٧. استرآبادي، محمد جعفر، ١٣٨٢ش، البراهين القاطعة في شرح تجريد العقائد
الساطعة، قم، مكتب الأعلام الإسلامي.
٢٨. أصبهاني، إسماعيل بن محمد، بي تا، سير السلف الصالحين، تحقيق: د. كرم بن حلمي،
الرياض، دارالراية.
٢٩. إيجي، عضد الدين عبدالرحمن بن أحمد، ١٩٩٧م، المواقف، تحقيق: د. عبدالرحمن
عميرة، بيروت، دارالجيل.
٣٠. ايجي، قاضي عضدالدين، ١٣٢٥ق، شرح المواقف، تصحيح: بدرالدين نعساني، قم،
الشريف الرضي.

٣١. أمدي، سيف الدين علي بن ابي علي، ١٤٢٣ق، **أبكار الأفكار في أصول الدين**، قاهره، دارالكتب.
٣٢. بحراني، ابن ميثم، ١٤١٧ق، **النجاة في القيامة في تحقيق أمر الإمامة**، قم، مجمع الفكر الإسلامي.
٣٣. بحراني، سيدهاشم، ١٤٢٢ق، **غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و العام**، تحقيق: سيدعلي عاشور، بيروت، مؤسسه تاريخ عربي.
٣٤. بخاري، محمد بن إسماعيل، بي تا، **التاريخ الكبير**، حيدر آباد - الدكن، بي نا.
٣٥. بغدادى، أحمد بن علي، ١٤١٧ق، **تاريخ بغداد و ذبوله**، دراسة و تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
٣٦. بغدادى، محمد بن سعد، ١٤٠٨ق، **الطبقات الكبرى، القسم المتمم لتابعي أهل المدينة و من بعدهم**، محقق: زياد محمد منصور، المدينة المنورة، مكتبة العلوم والحكم.
٣٧. بغدادى، محمد بن سعد، ١٩٦٨م، **الطبقات الكبرى**، محقق: إحسان عباس، بيروت، دار صادر.
٣٨. بكجری مصرى، مغلطای بن قليج، ١٤٢٢ق، **إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال**، محقق: أبو عبدالرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، قاهره، الفاروق الحديثة.
٣٩. تفتازانى، سعدالدين مسعود بن عمر، ١٤٠٩ق، **شرح المقاصد**، تحقيق و تعليق: دكتور عبد الرحمن عميره، مكان چاپ: افست قم.
٤٠. تفتازانى، سعدالدين مسعود بن عمر، ١٤١١ق، **مختصر المعاني**، قم، دارالفكر.
٤١. تنكابنى، محمد بن عبدالفتاح، ١٣٨٢ش، **ضياء القلوب**، قم، مجمع ذخائر اسلامى.
٤٢. جرجانى، أبو أحمد بن عدى، ١٤١٨ق، **الكامل في ضعفاء الرجال**، تحقيق: عادل أحمد عبدال موجود و على محمد معوض، بيروت، الكتب العلمية.
٤٣. الجوزى، عبدالرحمن بن علي، ١٣٨٦ق، **الموضوعات**، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، محمد عبدالمحسن صاحب، المدينة المنورة، المكتبة السلفية.
٤٤. جوينى، ابراهيم بن محمد، ١٣٩٨ق، **فرائد السمطين**، تحقيق و تعليق: محمد باقر محمودى، بيروت، مؤسسة المحمودى.
٤٥. حسن زاده أملی، حسن، ١٣٦٥ش، **هزار و يك نكته**، تهران، رجا.
٤٦. حسن زاده أملی، حسن، ١٣٨١ش، **هزار و يك كلمه**، قم، دفتر تبليغات اسلامى.
٤٧. الحسينى العلوى، يحيى بن حمزة، ١٤٢٣ق، **الطراز لأسرار البلاغة و علوم حقائق الإعجاز**، بيروت، المكتبة العنصرية.
٤٨. حسينى حلى، سيدعلي بن طاووس، ١٤٠٠ق، **الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف**،

- قم، خيام.
٤٩. حلي، برهان الدين إبراهيم بن محمد، ١٤٠٧ق، **الكشف الحثيث عن رمى بوضع الحديث**، تحقيق: صبحي السامرائي، بيروت، عالم الكتب مكتبة النهضة العربية.
٥٠. حلي، برهان الدين إبراهيم بن محمد، ١٩٨٨م، **الاغتباط بمن رمى من الرواة بالاختلاط**، محقق: علاء الدين علي رضا، القاهرة، دار الحديث.
٥١. حمصي رازي، سديد الدين محمود، ١٤١٢ق، **المنقذ من التقليد**، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
٥٢. حموي، ياقوت، بي تا، **معجم الادباء**، مصر، دارالمأمون.
٥٣. خادمي حنفي، أبوسعيد محمد بن محمد، ١٣٤٨ق، **بريقة محمودية في شرح طريقة محمدية وشريعة نبوية في سيرة أحمدية**، بي جا، مطبعة الحلبي.
٥٤. خضر رازي، خضر بن محمد رازي حبلرودي، ١٤٢٤ق، **التوضيح الأنور بالحجج الواردة لدفع شبه الأعور**، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
٥٥. خطيب قزويني، محمد بن عبدالرحمن و ديگران، ١٤٢٦ق، **بغية الايضاح لتلخيص المفتاح في علوم البلاغة**، بي جا، مكتبة الآداب.
٥٦. خلف، نجم عبدالرحمن، ١٤٠٩ق، **معجم الجرح والتعديل لرجال السنن الكبرى**، الرياض، دار الراية.
٥٧. دهلوي، عبدالعزيز، ١٣٧٣ق، **مختصر النحلة الاثني عشرية**، ترجمه به عربي: غلام محمد بن محي الدين بن عمر الأسلمي، تهذيب: محمود شكري الألوسي، تحقيق: محب الدين الخطيب، القاهرة، المطبعة السلفية.
٥٨. ذهبي، محمد بن احمد، ١٣٨٢ق، **ميزان الاعتدال**، بيروت، دارالمعرفة.
٥٩. ذهبي، محمد بن احمد، ١٣٨٧ق، **ديوان الضعفاء والمتروكين وخلق من المجهولين وثقات فيهم لين**، محقق: حماد بن محمد الأنصاري، مكة، مكتبة النهضة الحديثة.
٦٠. ذهبي، محمد بن احمد، ١٤٠٥ق، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٦١. ذهبي، محمد بن احمد، ١٤٠٦ق، **ذكر أسماء من تكلم فيه وهو موثق**، محقق: محمد شكور بن محمود الحاجي أمير الميادين، الزرقاء، مكتبة المنار.
٦٢. ذهبي، محمد بن احمد، ٢٠٠٣م، **تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام**، محقق: بشار عواد معروف، بيروت، دارالغرب الإسلامي.
٦٣. ذهبي، محمد بن احمد، بي تا، **المنتقى من منهاج الاعتدال في نقض كلام أهل الرفض والاعتزال**، محقق: محب الدين الخطيب، بي جا، بي نا.
٦٤. رجب بُرسي، رجب بن محمد بن رجب، ١٤٢٢ق، **مشارك أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام**، بيروت، مؤسسة الأعلمی.

٦٥. زرکلی، خیرالدین بن محمود، ٢٠٠٢م، **الأعلام**، بیروت، دارالعلم للملایین.
٦٦. سبحانی، جعفر، ١٣٨٧، **دانشنامه کلام اسلامی ج ١**، به قلم جمعی از محققان، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
٦٧. سبزواری، ملاهادی، ١٣٨٣ش، **أسرار الحكم**، قم، مطبوعات دینی.
٦٨. سبط ابن جوزی، یوسف بن فز اوغلی، ١٤١٨ق، **تذكرة الخواص من الأمة في ذكر خصائص الأمة**، قم، منشورات الشریف الرضی.
٦٩. سبکی، بهاءالدین احمد بن علی، ١٤٢٣ق، **عروس الأفراح في شرح تلخیص المفتاح**، محقق: عبدالحمید هنداوی، بیروت، المكتبة العصرية.
٧٠. سعدی وصابی، نورالدین بن علی، ١٤٣١ق، تحفة اللیب بمن تکلم فیهم الحافظ ابن حجر من الرواة فی غیر «التقريب»، مصر، مكتبة ابن عباس.
٧١. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، بی تا، **شرح عقود الجمان فی علم المعانی و البیان**، بیروت، دارالفکر.
٧٢. شافعی، محمد بن طلحه، ١٤١٩ق، **مطالب السؤل**، بیروت، مؤسسة البلاغ.
٧٣. شوشتری، قاضی نورالله، ١٣٦٧ش، **الصوارم المهرقة فی رد الصواعق المحرقة**، تهران، نهضت.
٧٤. شوشتری، قاضی نورالله، ١٤٠٩ق، **إحفاق الحق و إزهاق الباطل**، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
٧٥. شوکانی، محمد بن علی، بی تا، **الفوائد المجموعة فی الأحادیث الموضوعة**، محقق: عبدالرحمن بن یحی المعلمی الیمانی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
٧٦. شیخ مفید، محمد بن محمد، ١٤١٣ق، **الفصول المختارة**، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
٧٧. صنعانی، محمد بن إسماعیل، ١٤١٧ق، **توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار**، محقق: أبو عبدالرحمن صلاح بن محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
٧٨. طباطبائی، سید محمد حسین، ١٤١٧ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، مكتبة النشر الإسلامی.
٧٩. طبری، احمد بن عبدالله، بی تا، **الریاض النضرة فی مناقب العشره**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
٨٠. طبری، عمادالدین، ١٤٢٦ق، **کامل البهائی فی السقیفه**، بی جا، المكتبة الحیدریة.
٨١. طبری، محمد بن جریر، ١٤١٥ق، **المستترشد فی إمامة أمير المؤمنين علیه السلام**، تحقیق: احمد محمودی، قم، مؤسسة الواصف.
٨٢. طوسی، محمد بن حسن، ١٣٨٢ش، **تلخیص الشافی**، قم، انتشارات المحبین.
٨٣. عاصمی، احمد بن محمد، ١٤١٨ق، **العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح**

- سورة هل اتى،** مصحح: محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافة الإسلامية.
٨٤. عبد الشافى، محمد عبداللطيف، ١٤٢٨ق، **السيرة النبوية والتاريخ الإسلامى**، القاهرة، دارالسلام.
٨٥. عسكرى، أبوهلال حسن بن عبدالله، ١٤١٩ق، **الصناعتين: الكتابة والشعر**، محقق: على محمد البجاوى و محمد أبوالفضل إبراهيم، بيروت، المكتبة العنصرية.
٨٦. عصامى مكي، عبدالملك بن حسين، ١٤١٩ق، **سمط النجوم العوالى فى أنباء الأوائل والتوالى**، محقق: عادل أحمد عبد الموجود- على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلمية.
٨٧. عطار نيشابورى، محمد بن ابراهيم، ١٣٨٦ش، **مصيبت نامه**، تصحيح: محمدرضا كدكنى، تهران، سخن.
٨٨. علامه امينى، عبدالحسين، ١٤١٦ق، **الغدِير**، قم، مركز الغدير.
٨٩. علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٣٦٥ش، **الباب الحادى عشر**، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامى.
٩٠. علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٣٧٩ش، **منهاج الكرامة فى معرفة الإمامة**، مشهد، مؤسسه عاشورا.
٩١. علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٤٠٩ق، **الألفين**، قم، هجرت.
٩٢. علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٤١١ق، **كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين عليه السلام**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
٩٣. علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٤١٥ق، **مناهج اليقين**، تهران، دارالأسوة.
٩٤. علائى، خليل بن كيكلى، ١٤٠٧ق، **جامع التحصيل فى أحكام المراسيل**، محقق: عبدالمجيد السلفى، حمدى، بيروت، عالم الكتب.
٩٥. عونى، حامد، بى تا، **المنهاج الواضح للبلاغة**، بى جا، المكتبة الأزهرية للتراث.
٩٦. غزالى، ابوحامد محمد بن محمد، ١٤١٦، **مجموعة رسائل الإمام الغزالى**، بيروت، دارالفكر.
٩٧. فاضل مقداد، عبدالله، ١٤٠٥ق، **إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين**، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى.
٩٨. فاضل مقداد، عبدالله، ١٤٢٢ق، **اللوامع الإلهية فى المباحث الكلامية**، قم، دفتر تبليغات اسلامى.
٩٩. فخر رازى، محمد بن عمر، ١٤٢٠ق، **مفاتيح الغيب**، بيروت، دار احياء التراث العربى.
١٠٠. فيض كاشانى، مولى محسن، ١٤١٨ق، **علم اليقين فى أصول الدين**، قم، انتشارات بيدار.
١٠١. فيض كاشانى، مولى محسن، ١٤٢٥ق، **أنوار الحكمة**، قم، بيدار.

١٠٢. قرطبي مالكي، محمد بن احمد، ١٤٢٣ق، *التذكرة في أحوال الموتى و أمور الآخرة*، بيروت، المكتبة العصرية.
١٠٣. قرطبي، يوسف بن عبدالله، ١٤١٢ق، *الاستيعاب في معرفة الأصحاب*، محقق: علي محمد البجاوي، بيروت، دارالجيل.
١٠٤. قره بلوط، علي الرضا و ديگران، ١٤٢٢ق، *معجم التاريخ «التراث الإسلامي في مكتبات العالم»*، تركيا، دارالعقبه.
١٠٥. قضاعي، ابومحمد يوسف بن عبدالرحمن، ١٤٠٠ق، *تهذيب الكمال في أسماء الرجال*، محقق: د. بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة.
١٠٦. قفطى، علي بن يوسف، ١٩٨٢م، *إنباه الرواة على أنبأه النحاة*، محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، القاهرة، دارالفكر.
١٠٧. قندوزى، سليمان بن ابراهيم، ١٤٢٢ق، *ينابيع المودة لذو القربى*، قم، اسوه.
١٠٨. قنوجي، محمد صديق خان بن حسن، ١٤٢٨ق، *التاج المكلل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول*، قطر، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
١٠٩. كراجكي، محمد بن علي، ١٤٢١ق، *التعجب من أغلاط العامة*، قم، دارالغدير.
١١٠. كراجكي، محمد بن علي، ١٤٢٧ق، *الرسالة العلوية في فضل أمير المؤمنين علي سائر البرية سوى سيدنا رسول الله*، قم، دليل ما.
١١١. الكنانى، علي بن محمد، ١٣٩٩ق، *تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعة*، محقق: عبدالوهاب عبداللطيف، عبدالله محمدالصادق الغماري، بيروت، دارالكتب العلمية.
١١٢. لاهيجي، ملاعبد الرزاق بن علي، ١٣٧٣ش، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، تهران، انتشارات الزهراء.
١١٣. لاهيجي، ملاعبد الرزاق بن علي، ١٣٨٣ش، *گوهر مراد*، تهران، سايه.
١١٤. مالك بن أنس، الأصبحي المدني، ١٤٢٥ق، *الموطأ*، محقق: محمد مصطفى الأعظمي، أبوظبي، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان.
١١٥. مجلسي، محمدباقر ١٤٠٣ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محقق: جمعي از محققان، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
١١٦. محمد بن عبدالوهاب، بي تا، *رسالة في الرد على الرافضة*، محقق: ناصر بن سعد الرشيد، الرياض، جامعة الإمام محمد بن سعود.
١١٧. مظفر، محمد حسن، ١٤٢٢ق، *دلائل الصديق لنهج الحق*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
١١٨. مغراوى، محمد بن عبدالرحمن، بي تا، *موسوعة مواقف السلف في العقيدة والمنهج والتربية*، القاهرة، المكتبة الإسلامية.
١١٩. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، ١٣٨٣ش، *حديقة الشيعة*، قم، انتشارات انصاريان.

١٢٠. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، ١٤١٩ق، **الحاشية على إلهيات الشرح الجديد للتجريد**، قم، دفتر تبليغات اسلامي.
١٢١. منذري، عبدالعظيم بن عبدالقوي، **بشار عواد معروف**، ١٤٠١ق، التكملة لوفيات النقلة، بي جا، مؤسسة الرسالة.
١٢٢. موسوي سبزواري، عبدالاعلي، ١٤٠٩ق، **مواهب الرحمن في تفسير القرآن**، بي جا، دفتر سماحه آيت الله العظمى السبزواري.
١٢٣. موسوي لکهنوي هندی، ميرحامد حسين، ١٣٦٦ش، **عبيقات الأنوار في إثبات إمامة الأئمة الأطهار عليهم السلام**، اصفهان، كتابخانه اميرالمؤمنين عليه السلام.
١٢٤. ميلاني، سيد علي، ١٣٨٦ش، **شرح منهاج الكرامة في معرفة الإمامة**، قم، مركز الحقائق الإسلامية.
١٢٥. ميلاني، سيد علي، ١٤٠٩ق، **نفحات الأزهار في خلاصة عبيقات الأنوار**، قم، مهر.
١٢٦. ميلاني، سيد علي، ١٤١٣ق، **الإمامة في أهم الكتب الكلامية و عقيدة الشيعة الإمامية**، قم، الشريف الرضي.
١٢٧. نعماني، عمر بن علي، ١٤١٩ق، **اللباب في علوم الكتاب**، محقق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٢٨. النوري، سيد ابوالمعاطي، ١٤١٢ق، **الجامع في الجرح والتعديل**، بيروت، عالم الكتب.
١٢٩. النوري، سيد ابوالمعاطي، ١٤١٧ق، **موسوعة أقوال الإمام أحمد بن حنبل في رجال الحديث و علله**، بيروت، عالم الكتب.
١٣٠. نوبهض، عادل، ١٤٠٩ق، **معجم المفسرين** «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، قدم له: مفتي الجمهورية اللبنانية الشيخ حسن خالد، بيروت، مؤسسة نوبهض الثقافية.
١٣١. هاشمي خويي، ميرزا حبيب الله، ١٤٠٠ق، **منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة**، محقق: ابراهيم ميانجي، تهران، مكتبة الاسلام.